

نقش رفع خشونت علیه زن در نظم عمومی جامعه

به بزرگداشت از 25 نوامبر روز جهانی رفع خشونت علیه زن

در نظام حقوق بشر موقعیت حقوق زن و منزلت او در چنان مدرجی قرار دارد که واقعیت وجود هر دموکراسی، به قبولی و رعایت جایگاه زن در مدرج حقوقی معینه اش منوط و مشروط گردیده است، نه از آن جهت که زن تقریباً نیمی از جامعه انسانی را شکل می دهد بل به این جهت هم که زن بزرگترین منبع تلطیف و ملایم سازی محیط انسانی شمرده شده است، درست نقطه مقابل خشونت.

زن مدارا، رواداری، گذشت، همدیگر پذیری، فراغت حوصله و تحمل، عفو و بسیاری از خصایل نرم و مهربان انسانی را به انسان منتقل می سازد، زن نه به دلیل آنکه مادر مرد است، بل به این دلیل که سازنده بخش عمده از شخصیت مرد را نیز مادر و یا زن است که آراسته میکند، در ریشه انتظام عمومی جامعه سهم دارد.

به همین اسباب است که در نظام حقوق بشر متکامل امروزی، منع خشونت بر علیه زن خیلی جدی گرفته شده است، تحمیل خشونت بر زن، تعمیم خشونت در جامعه را مروج ساخته و به یک امر عادی و روزمره مبدل خواهد ساخت، اگر نگاه عمیق به جوامع خشونت زده انداخته شود ملاحظه میگردد که زن قربانی اول خشونت بوده و بعد این خشونت سرتاسری شده و دامن مرد ها را هم گرفته است، خشونت بر علیه زن نه برای آن بوده است که زن گویا ضعیف و ناتوان باشد؛ در این ممنوعیت خشونت بیشتر و بیشتر سهم و منفعت عمومی جامعه در حضور لطافت، ملایمت و نرمی محیط اجتماعی مد نظر بوده است که زن از نگاه احساس ها و عواطف، سر چشمه عظیم عواطف واقعی انسانی است، منبعه عشق و محبت است، سر چشمه و ریشه مدارا و رواداری است.

به همین خاطر است که تقریباً در تمام اسناد حقوق بشری برای انسانی کردن محتوای هر چه بیشتر این اسناد به حقوق زن و آبخار سرشار عواطف انسانی آن رجوع شده است، اسناد برای غنای عاطفی و احساسی آن نیازمند رجوع به حقوق مدرن زن بوده است.

برای همین نیاز به لطافت های مندرج در حقوق زن است که سازمان ملل متحد روز بیست و پنجم نوامبر را برای تجلیل و برگزاری رفع خشونت علیه این سر چشمه نیکویی های انسانی در تقویم کاری خود تکلیف نموده است، یعنی بزرگداشت از روز منع خشونت زن یک بزرگداشت، تشریفاتی و فورمالیته نیست و نه هم این بزرگداشت برای دلجویی و دلسوزی از زن می باشد زیرا این یک نیاز اشد ضروری جامعه انسانی به عناصر ضد خشونت است که نظام حقوق بشر ناگزیر به تجلیل آن بوده است. با تجلیل از روز رفع خشونت علیه زن نظام حقوق بشر از سر ریشه صلح و صفا و لطافت و نرمش محافظت میکند، تأکید بر این است که رفع خشونت بر علیه زن به این دلیل بی پایه متکی نیست که زن ضعیف است که بیچاره است که ناتوان و بی دفاع است، زن امروزی ثابت کرده است که بی دفاع و ضعیف نیست، می بینیم که نقش زنان در اکتشافات و اختراعات علمی و هنری کنونی چه گسترده است، می بینیم که زنان با چه نیروی قوی جسمی و روحی در جبهات جنگ علیه خشن ترین نیرو های افراطی زمان ما می رزمند و جیگر ایشان از صد مرد و شیر غران بزرگتر و شجاعتر است، پس زن با عجز و زاری این حق مصون بودن از خشونت را بدست نیاورده است، جامعه انسانی است که نیاز به مصونیت این مرجع و منبعه دارد.

متکی به همین استدلال است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در «اعلامیه حذف خشونت علیه زنان» که با قطعه نامه 104/48 مورخ 1994 خود آنرا صادر نموده است در مقدمه اعلامیه صراحت داده است که: «با آگاهی به نیاز فوری به اینکه حقوق و اصول مربوط به برابری، امنیت، آزادی، تمامیت، و وقار همه انسانها به طور جهانشمول در باره زنان اعمال شود...» و باز در همان مقدمه در جای دیگر: «با نگرانی از اینکه خشونت علیه زنان مانعی در راه دستیابی به برابری، پیشرفت و صلح است...» این درک کاملاً وضاحت دارد که سوادگران آن قطعه نامه در مقدمه آن به صراحت به این نیاز اساسی معترف بوده اند.

قطعه نامه مورد نظر تمام مساعی خود را به خرج داده است تا تعریف جامعی از فعل "خشونت علیه زن" را ارائه کند، فهم مطلع بودن از محتویات این تعریف برای همه خاصاً برای دست اندر کاران افراد و مراجع مبارزه علیه این خشونت خیلی با اهمیت خواهد بود، در ماده اول قطعه نامه تعریف خشونت علیه زن را چنین می خوانیم: «در این اعلامیه، عبارت "خشونت علیه زنان" به معنی هر عمل خشونت آمیز بر اساس جنس است که به آسیب یا رنجاندن جسمی، جنسی، یا روانی زنان منجر گردد، یا احتمال می رود که منجر شود، از جمله تهدیدات یا اعمال مشابه، اجبار یا محروم کردن مستبدانه زنان از آزادی، که در منظر عموم یا در خلوت زندگی خصوصی انجام شود.»

و در ماده دوم آن مشعر است: «تعریف خشونت علیه زنان باید شامل موارد زیر، اما نه محدود به این موارد، باشد: الف - خشونت جسمی، جنسی و روانی که در خانواده اتفاق می افتد، از جمله لت و کوب کردن، آزار جنسی دخترک ها در خانه، خشونت مربوط به جهیزیه، تجاوز توسط شوهر، ختنه زنان و دیگر رسوم عملی که به زنان

آسیب می‌رساند، خشونت در رابطه بدون ازدواج و خشونت مربوط به استثمار زنان. ب - خشونت جسمی، جنسی و روانی که در جامعه عمومی اتفاق می‌افتد، از جمله تجاوز، سوء استفاده جنسی، آزار جنسی و ارباب در محیط کار، در مراکز آموزشی و جاهای دیگر، قاچاق زنان و تن فروشی اجباری. ج - خشونت جسمی، جنسی و روانی، در هر جایی، که توسط دولت انجام شود یا نادیده گرفته شود. «

به این ترتیب درک بعضاً سطحی، که گویا خشونت بر علیه زن، صرف به اعمال خشونت بار فیزیکی محدود باشد، با فهم جامع از این مواد تصحیح می‌گردد، مخصوصاً نزد تعداد زیادی از افراد که به آگاهی‌های استندرد امروزی دسترسی ندارند، خشونت بعضاً صرف به رفتار های توأم با لت و کوب و بزن و بکن درک و خلاصه می‌گردد، ولی طوری که دیدیم خشونت بر علیه زن دامنه وسیع دارد و انسان‌ها می‌توانند با فهم از مفاهیم دو ماده بالا به شناخت وسیع این دامنه آشنا شوند.

سوابق تصمیم بر تجلیل و برگزاری از روز منع خشونت علیه زن، حاکی است که ایده برگزاری روز رفع و منع خشونت علیه زنان از کار و مبارزه سه خواهر "میرابال" به نام های پاتریا، مینروا و ماریا ترزا از جمهوری دوومینیکن می‌آید؛ این سه خواهر مبارز علی‌الرغم پیگرد ها، تکالیف و زندانی شدن های پیهم دست از مبارزه به خاطر منع بد رفتاری با زنان و مجادله بر علیه دکتاتوری رافایل دست بر نداشتند و مظالم زیادی را متحمل گردیدند، بالاخره این خواهران، ظاهراً در یک حادثه ترافیکی در 25 نوامبر سال 1960 جان های شیرین شان را از دست دادند. این سه خواهر به سمبول مقاومت ملی زنان دوومینیکن مفتخر شدند.

در سال 1991 دو مرکز کار و زار جهانی برای زنان "مرکز هدایت جهانی زنان" و "موسسه جهانی زنان" بعد از جلسات 25 نوامبر تا 10 دسامبر، سرانجام طرح تجلیل روز رفع و منع خشونت علیه زنان را ترتیب نمودند تا بالاخره در 17 دسامبر 1999 مجمع عمومی سازمان ملل متحد همان میراث انسانی خواهران "میرابال" را گرامی داشته در قطعه نامه شماره 54 تصویب نمود که روز 25 نوامبر به حیث روز تجلیل از رفع خشونت علیه زنان تثبیت و برگزار گردد.

سرزمین ما افغانستان که در وضعیت خشونت باری قرار دارد، آماج بارش عمده این خشونت ها مادران و خواهران ما یعنی زنان وطن ما می‌باشند، هر وقتی به آمار و ارقام خشونت زده ها و قربانیان خشونت در وطن ما نگاه میکنیم، دیده می‌شود که با صد درد و دریغ زنان سرزمین ما قربانیان اولی و عمده این خشونت ها می‌باشند، خشونت بر زنان در افغانستان از مواضع و جبهات متعدد "حالت جنگ" و "حالت صلح" مورد تعرضات و حملات خشونت آمیز قرار می‌گیرند، از جبهه عنعنات خرافاتی و کهنه، از سنگر مرد سالاری، از رفتار های مروج نابرابری جنسیتی، در محیط فامیل، از اتماسفیبیر عقب ماندگی عمومی رسمی حاکم بر جامعه، از دفاع نا کافی و خنثی مراجع رسمی از زن در برابر خشونت، از فقدان آگاهی کافی زنان از حقوق اصلی و نحوه مناسب دفاع از این حقوق و... زن افغان قربانی این همه منابع خشونت قرار دارد، به اضافه حضور و تداوم جنگ فرسایشی تقریباً کمتر از چهل سال و عروج افراطیت و رسمیت بخشیدن ایدئولوژیک زن ستیزی، زن کشور ما این همه خشونت را متحمل می‌شود، این مادر، این خواهر، این همسر، این همسر، این سر چشمه عشق و صفا و مهربانی و ظرافت های انسانی و سمبول مهربانی، در وطن ما زیر پا می‌شود، این زن باید قوی ترین زن دنیا باشد.

در یکی از از منابع نشرات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می‌خوانیم:

« مجموع آمار انواع خشونت علیه زنان، که از قضایای ثبت شده شاکیان خشونت علیه زنان در شش ماه نخست سال 1394 به دست آمده است، به 2579 مورد می‌رسد. این رقم در شش ماه نخست سال 1393 به تعداد 2403 مورد بود که 7.32 درصد افزایش را در سال 1394 نشان میدهد.

از مجموع آمارهای ثبت شده خشونت علیه زنان در جریان شش ماه نخست سال 1394، به تعداد 731 مورد آن ها را، که مشتمل بر 28.34 درصد کل موارد ثبت شده خشونت علیه زنان می‌باشد، خشونت های فیزیکی و جسمی تشکیل می‌دهند. به تعداد 183 مورد دیگر نیز که حدود 7.10 درصد کل موارد خشونت علیه زنان را تشکیل می‌دهند، شامل انواع خشونت های جنسی بوده و 900 مورد دیگر نیز که حدود 34.90 درصد کل موارد خشونت علیه زنان می‌شوند، شامل خشونت های لفظی و روانی می‌باشند. همچنین 550 مورد، که شامل 21.33 درصد کل موارد خشونت علیه زنان می‌شود، خشونت های اقتصادی بوده است. بقیه 215 مورد دیگر، که 8.34 درصد مجموع موارد را تشکیل می‌دهد، مشتمل بر سایر انواع»

آمار بالا نشان میدهد که خشونت بر علیه زن در در وطن ما تا هنوز در حال صعودی است به عباره دیگر در این عرصه تا هنوز ما قوس کامل انحطاط را نه پیموده ایم و تا رسیدن به منزل مقصود راه دور و درازی را در پیش داریم.

تقریباً دو هفته قبل قانونی بنام "قانون منع آزار و اذیت زنان و کودکان" در ولسی جرگه افغانستان جهت مبارزه علیه خشونت بر زنان و کودکان به تصویب رسید که بر علاوه جریمه نقدی مجازات حبس نیز برای مرتکبین آن پیش بینی شده است. قبل از این قانونی به نام "منع خشونت علیه زنان" توسط یک فرمان تقنینی رئیس جمهور وقت حامد کرزی نافذ گردیده بود که توسط همین ولسی جرگه فعلی به دلایل سیاسی، جناحی و اندکی هم به سبب نگرش های

عقب‌گرایانه منسوخ شد. حالا این قانون جدید دیده شود که چه مزایا و مضاری را نسبت به قانون منسوخ شده قبلی خواهد داشت.

یکی از کوتاهی‌ها در جست و جوی راه حل‌های ما این است که ما به طور میکانیکی حل قضایا را بردوش قانون می‌گذاریم و سعی نمی‌کنیم، طرق اجرای سهل و ساده قانون را به دسترس مراجع تطبیق قانون قراردهیم و دیگر اینکه به سراغ چندین راه حل نمی‌رویم، تا از هر یک راه حل‌ها در محل و وضعیت آن استفاده کنیم، تطبیق قانون و نحوه اجرای آن از یک سو و ارتقای تربیتی و فرهنگی متخلفین خشونت علیه زنان و کودکان و فراهم سازی شرایط بهتر اجتماعی در رفع نیازهای نسلی که قربانی خشونت است و تأمین محیط آرام که خشونت فرصتی برای ظهور و بروز برای خود نیابد و شاید راه حل‌های دیگر... و اما در راه مبارزه به خاطر رفع خشونت علیه زن از یک نیرو یا استفاده نه شده و یا به طور ناچیزی کار گرفته شده است، کاربرد این نیرو یقیناً در سرنوشت عمومی سهم زن در روند تکامل موفق و حقوقش تعیین کننده است و آن نیرو قوه مبارزه خود زنان به خاطر حقوق و دفاع از خودشان می‌باشد.

پایان